

## هدفم شاد کردن مردم میبد

## در حد توانم است

گفت و گو با همسر یک پاکبان که تصاویر نقاشی هایش روی سطل‌های زباله در

شبکه‌های اجتماعی پربازدید شد

مجید حسین‌زاده | روزنامه‌نگار

تصاویر اقدام تحسین برانگیز همسر یک پاکبان میبدی که با هزینه شخصی، سطل‌های زباله را نقاشی کرده تا به زیباسازی شهرش کمک کند، در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی پربازدید شده است. او حالا علاوه بر سطل‌های زباله، روی درهای آهنی که صاحبخانه اجازه بدهد و تمایل داشته باشد، نقاشی می‌کشد و بعضی دیوارهای شهر را به بوم نقاشی خودش تبدیل می‌کند تا طرح‌های ماندگاری را روی آن‌ها به یادگار بگذارد. در پرونده امروز زندگی‌سلام با «نجمه هاتفی مهر جودی» بانوی هنرمند میبدی درباره دلایلش برای نقاشی کشیدن روی سطل‌های زباله



و... گفت و گو کردیم.

🔴 **بهاصرار خانوادهم به جای نقاشی، رفتم رشته خیاطی**



او درباره علاقه‌اش به نقاشی و این که از چه زمانی متوجه استعدادش به این رشته شده،

می‌گوید: «پس از دوران راهنمایی می‌خواستم رشته تحصیلی خودم را مرتبط با نقاشی

انتخاب کنم چون علاقه زیادی به آن داشتم

اما با اصرار مادرم که معتقد بود دختر باید

دوخت و دوز بلد باشد، خیاطی را برای ادامه

تحصیل انتخاب کردم، اما اصلاً این رشته را

دوست نداشتم، نقاشی کردن را دوست داشتم

و سال‌هاست که در فرصتی روی کاغذ

نقاشی می‌کشم. خیاطی را هم ادامه ندادم و الان اصلاً خیاطی نمی‌کنم.»

🔴 **کارم را با نقاشی روی در یک باغ شروع کردم**

او درباره این که آیا همچنان روی دیوار و سطل‌های زباله نقاشی می‌کند یا نه، می‌گوید: «بله، همچنان

نقاشی می‌کشم. ماجرای شروع این کار هم برمی‌گردد به چند سال پیش. یک روز که ناراحت بودم، آدمم

در کوچه و شروع کردم روی در آهنی یک باغ نقاشی کردن. صاحبان آن باغ دو برابر بودند که اجازه دادند

روی درهای باغشان نقاشی بکشم. آن روز، هر کسی نقاشی من را می‌دید، تشویق می‌کرد و همین باعث

شد تا انگیزه‌ام بیشتر شود. متوجه شدم که دیگران هم از این نقاشی‌ها لذت می‌برند.»

🔴 **با سوزندان چوب، زغال برای نقاشی در ست می‌کردم**

او درباره وسایل مورد نیازش برای نقاشی کشیدن می‌گوید: «راستش را بخواهید، ما وضعیت مالی خوبی

نداریم چون همسر کارگر است و درآمد چندانی ندارد. به همین علت اوایل با گچ‌پاره‌های ساختمانی

و سوزندان چوب و تبدیل آن به زغال شروع به نقاشی کردم. روی سطل‌های زباله با رنگ نقاشی می‌کنم

که از چند وقت پیش به لطف آقای شهر دار، به من چند سطل رنگ می‌دهند. تا قبل از آن، شهرداری با من

همکاری نمی‌کرد. الان آقای شهردار دستور داده تا روی بعضی دیوارهای شهر نقاشی کنم که از ایشان

خیلی ممنون هستم. برای نقاشی کشیدن روی در هم که وسایل کارم شامل زغال و چند تکه گچ است.

معمولاً این‌ها را مردم برایم می‌آورند. مثلاً در یک مورد، گچ‌ها را یک روحانی برایم آورد، تکه گچ‌های

رنگی را هم بچه‌های محله برایم آوردند.»

🔴 **طرح نقاشی‌هایم ناخودآگاه به ذهنم می‌آید**

این بانوی هنرمند درباره این که چطور طرح

نقاشی هایش را انتخاب می‌کند، می‌گوید:

«نقاشی‌هایی که روی دیوار و درهای می‌کشم،

معمولاً درباره موضوعات مذهبی است. به

عنوان آخرین کارم، چند وقت پیش خداوند

به من نیرو داد تا نقاشی امام حسین (ع)،

حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع)

را روی یک دیوار بکشم که توجه هیئت

محله‌مان را هم جلب کرد و از من، تقدیر

کردند. درباره این که چطور نقاشی می‌کشم باید بگویم، ابتداء روی طرح نقاشی فکر می‌کنم و بعد از

آن با افکاری که ناخودآگاه به ذهنم می‌آید در زمانی حدود نیم ساعت نقاشی‌اش را می‌کشم.»

🔴 **می‌خواهم روحیه مردم میبد را عوض کنم**

از او درباره هدفش از نقاشی کشیدن روی سطل‌های زباله می‌پرسم که می‌گوید: «احساس عجیبی به

این کار دارم. حسی در من می‌گوید که تو نقاشی بکش، حتی اگر یک نفر با دیدنش حالش خوب شود،

یک روزی یک اتفاق خوبی برای تو هم خواهد افتاد. می‌خواهم این یادگاری‌هایم برای شهرم بماند.

فقط می‌خواهم دل مردم را شاد کنم، روحیه مردم میبد را با این نقاشی‌ها عوض کنم و فقط حرف زباله

و مریضی در اطراف این سطل‌ها نباشد. می‌خواهم تنوعی در شهرم ایجاد کرده باشم، البته آن قدر که

از دستم برمی‌آید.»

🔴 **امیدوارم بتوانم از استعدادم پول در بیاورم**

از او می‌پرسم که آیا تا امروز از نقاشی کشیدن برای دیگران، کسب درآمد هم کرده است یا نه؟ که

می‌گوید: «من تا چهار یا پنج ماه پیش اصلاً نمی‌دانستم چگونه به مردم نشان دهم که نقاشی کردن

را بلد هستم تا بتوانم از آن درآمد داشته باشم، اما الان قرار است با شهرداری همکاری کنم، برای‌شان

نقاشی بکشم و به من دستمزد بدهند. در آینده هم امیدوارم با کشیدن نقاشی روی دیوارهای خانه‌های

مردم، درهای باغ‌ها و... بتوانم هم حس خوبی به مردم بدهم و هم کمکی به زندگی خودم و خانواده‌ام

کرده باشم.»

🔴 **استعداد دخترم از من خیلی بیشتر است**

این بانوی هنرمند میبدی، ۴۰ ساله است و دو فرزند دارد. او در پایان یک درخواست هم دارد و می‌گوید:

«استعداد دخترم از من خیلی بیشتر است، تنها خواهش من این است که لازم نباشد تا او هم مانند من

سال‌ها در تنهایی نقاشی بکشد و در ۴۰ سالگی، همه متوجه استعدادش بشوند. دخترم نقاشی‌های

بسیار زیبایی می‌کشد ولی تا امروز، حتی نتوانسته‌ام او را در یک کلاس نقاشی ثبت نام کنم.»

# کولرهای کم‌مصرف اجدادی!

پرونده‌ای درباره بادگیرها، معماری خاص‌شان، معروف‌ترین‌هایشان در یزد که معروف به شهر بادگیرهاست و...

اکرم انتصاری | روزنامه‌نگار

پرونده



## بادگیرهای کهن و چشم‌نواز یزدی

بادگیرهای زیادی در ایران وجود دارد که با توجه به طراحی و جزئیات ساخت‌شان می‌توان آن‌ها را در دسته‌های مختلف و زیباترین بادگیرهای ایران جای داد. بادگیرها در ایران در شهرهای یزد، میبد، طبس، کرمان، کاشان، اصفهان، بندر لنگه، قشم، قم و حتی جنوب تهران پراکنده هستند. بخشی از این بادگیرها هنوز استوار هستند و بعضی دیگر مثل بادگیرهای لافت در هرمزگان بر اثر زلزله یا گذر زمان و نبود رسیدگی از بین رفته‌اند. در ادامه با چند بادگیر خوش‌نقشه و متفاوت در یزد آشنا می‌شوید.



🔴 **بلندترین بادگیر خشتی**

باغ دولت‌آباد یکی از باغ‌های

ایرانی ثبت شده میراث جهانی

در یونسکو است. بادگیر این باغ

۳۳/۸ متر ارتفاع دارد و بلندترین

بادگیر خشتی شناخته شده در

جهان است. این باغ در اواخر

دوره افشاریه ساخته شده و در

شگفت‌انگیز بودن آن همین بس

که محمدتقی خان باقی‌والی

یزد برای ساخت آن ابتدا افتاتی به طول ۶۵ کیلومتر احداث کرد و آب را از مهریز به یزد و محل کنونی باغ

دولت‌آباد رساند.

🔴 **تنها بادگیر گرد جهان**

در بافت قدیم یزد تا چشم کار می‌کند

بادگیر روی پشت‌بام‌ها ساخته شده است.

پس طبیعی است که معماران در دوره

رونق بادگیرها به فکر ساخت بادگیرهای

متفاوت باشند. یکی از بادگیرهای تاریخی

وارز شمند یزد در شهرستان بهاباد قرار

دارد. بادگیرها در این بنا به شکل گرد



ساخته شده‌اند و کارشناسان بر این باورند که

معمار این بنا قصد هنجار شکنی در معماری

آن دوره را داشته است. بادگیرهای مختلفی با

اشکال متنوع در سرتاسر شهر یزد و ایران وجود

داشته اما این بادگیر در شهر بهاباد تنها بادگیر

گرد در جهان است.

🔴 **تنها آب‌انبار شش بادگیر یزد**

این آب‌انبار متعلق به دوره قاجاریه بوده و در

فهرست آثار ملی ایران قرار گرفته است و تنها

آب‌انبار شش بادگیر یزد به حساب می‌آید که

شهرت خود را مدیون بادگیرهای رفیع، زیبا و

هشت‌وجهی و نیز گنبد عظیم تخم‌مرغی خود

است.



## بادگیر چطور کار می‌کند؟

برج‌هایی که برای تهیه و خنک‌سازی روی بام خانه‌ها ساخته می‌شد؛ این ساده‌ترین تعریف از بادگیر است که خوشبختانه هنوز می‌توان تعداد زیادی از آن‌ها را در شهرهای یزد، کرمان و هرمزگان دید. بادگیرها کولرهای کهن ایرانی هستند که بر اساس اقلیم هر منطقه طراحی و هم‌سو با معیارهای محیط‌زیستی هر اقلیم و بر حسب سرعت و جهت باد مطلوب ساخته می‌شدند. معماران برای ساخت بادگیرهای چهارگوش به پشت‌بام می‌رفتند و از جایی مشرف به اتاق حوضخانه که برای بادگیر ساخته شده بود یا خشت‌وآجر، دیوارهای بادگیر را بالای می‌بردند تا به ارتفاع معینی برسند. تیغه و جدار زدن در این دیوارها هر حله بعدی ساخت بادگیر است. حوضخانه‌های یک حوض کوچک داشتند، بادگیرها هم دقیقاً در بالای این حوض روی پشت‌بام ساخته می‌شدند تا جریان هوا را به سمت آب حوض هدایت کنند و اهالی خانه از آواز ش باد خنک‌کننده و از گرمای تابستان نجات دهند. این بزرگ‌ترین غنیمت به‌خصوص برای کویرنشین‌ها در خرمایان سال بود.

## بادگیرها چه شکلی هستند؟

بادگیرها در ایران به شکل‌های متنوعی طراحی شده‌اند. بعضی از آن‌ها در دنیا لنگه‌نارند و حتی در خصوص بعضی بادگیرها، کشورهایی در همسایگی ایران از روی آن کپی برداشته‌اند. به‌طور معمول بادگیرها در ایران به شکل چهارگوش و چندضلعی‌های منظم ساخته می‌شد. البته مثلث در این طراحی‌ها جایی ندارد. دلیل تنوع شکل بادگیرها، تفاوت اقلیم و میزان وزش باد در هر شهر است. مثلاً در شهر یزد بیشتر بادگیرها، بلند، چهار و هشت‌طرفه هستند اما در اردکان و میبد که با یزد فاصله چندانی ندارند، بادگیرها کوتاه و یک‌طرفه است. در این شهرها

بادهای کویری با گردوغبار و توفان‌شن از سمت کویر همراه بوده است و به همین

دلیل بادگیرها را پشت به توفان و در جهت باد مطلوب می‌ساختند. به‌طور کلی

بادگیرهای ایرانی به دسته‌ار دکانی، کرمانی و یزدی تقسیم می‌شود. بادگیرهای

اردکانی ساده‌تر و اقتصادی‌تر بودند و به

همین دلیل می‌شد برای هر اتاق یکی

از آن‌ها ساخت. بادگیرهای کرمانی از

بادگیرهای اردکانی هم ساده‌تر بودند و

بیشتر برای آب‌انبارها از آن‌ها استفاده

می‌شد. بادگیرهای یزدی هم نسبت به

این دو نوع، معماری پیچیده‌تر، طراحی

بیشتر و ارتفاع بلندتری داشتند و معمولاً

از چهار طرف به بالا ساخته می‌شدند،

اما چرا به یزد شهر بادگیرهای گویند؟

چون یزد بیشترین تعداد بادگیرهای

ایران را دارد به طوری که در گذشته بر

بالای بیشتر خانه‌ها، بادگیری وجود

داشته است.



## امارات به دنبال ثبت جهانی بادگیرهاست

یادداشت یک عضو هیئت علمی دانشکده معماری دانشگاه یزد که از قصه بادگیرها می‌گوید

دکتر لیلا موسوی نسل خامنه | استادیار دانشکده معماری دانشگاه یزد

مطالعات زیادی درباره تاریخ بادگیرها

صورت گرفته ولی هنوز آن قدر مدون

نیست که بتوان با مراجعه به آن زمان

ساخت دقیق بادگیرها را مشخص

کرد. پژوهشکده بین‌المللی بادگیر

دانشگاه یزد، طی چند پروژه روی مستندسازی و تهیه

شناسنامه برای بادگیرهای یزد، کار می‌کند. یک سری

تاریخ‌شناس خارجی هم روی بادگیرهای یزد مطالعه کرده

و نشانه‌هایی از جای بادگیر در ساختمان‌های تاریخی و

قدیمی یافتند که بر اساس آن حدس زدند بادگیر باید به آن

دوره مربوط باشد.

🔴 **بادگیرها، اول فقط برای آب‌انبارها بودند**

ر د بادگیر به شکل‌های مختلف در کشورهای خاور میانه دیده

